

عشقی که با آبروبریزی تمام شد؛

قصه چشمان نرگس!

مرد عاشق و دل‌باخته دختر جوانی شده بود که خانواده اش اعتیاد به مواد مخدر داشتند و با وجود اینکه خانواده اش مخالف ازدواج با این دختر بودند تن به یک ازدواج عاشقانه داد و وقتی به خودش آمد که در باتلاق اعتیاد گرفتار شده بود.



خانوادگی با پزشکان متخصص به پیشنهاد همسر مصرف مواد مخدر سنتی را آغاز کرد، چرا که مصرف مواد برای او امری طبیعی بود و من برای برقراری هر رابطه خصوصی و عاطفی به دنبال مواد افیونی بودم تا به قول معروف لحظاتی شاد و سرخوش را تجربه کنم.

زمانی به خود آمدم که دیگر مهر اعتیاد بر پیشانی ام خودنمایی می کرد و هر روز مقدار مصرف بالاتر می رفت تا جایی که به ناچار به مواد مخدر صنعتی روی آوردم و زندگی ام در مسیر تباهی قرار گرفت. از کار اخراج شدم و دیگر نتوانستم مخارج زندگی خود را تأمین کنم. نرگس هم که در شرایط سخت بی پولی قرار گرفته بود مرا ترک کرد و طلاق گرفت. با بروز علائم افسردگی و توهمات ناشی از مواد مخدر صنعتی، همه اطرافیان مرا رها کردند. از سوی دیگر نتوانستم اجاره منزل را پرداخت کنم و این گونه بود که کارتن خواب شدم و سر از پاتوق های سیاه حاشیه شهر دارم. بارها توسط مأموران انتظامی به عنوان معاند متجاهر دستگیر و روانه مراکز ترک اعتیاد اجباری شدم اما به محض آزادی از آن جا، دوباره به روزهای تلخ گذشته ام باز می کشتم. دیگر به آخر خط رسیده بودم به طوری که مرگ برابرم عروسی بود.

رهایی از اعتیاد نرگس

در یکی از همین روزها، زمانی که از شدت خماری نمی توانستم چشممان را باز نگه دارم، با یکی از دوستان معاند قدیمی ام برخورد کردم. «کمال» سسر حال و شاداب مقابلم ایستاده بود. باوردم نمی شد. فکر می کردم باز هم توهم می بینم اما او دستم را گرفت و مرا با خودش به جلسات انجمن معاندان گننام برد. آن فرشته مهربان به یاری ما شتافت و با کمک خیران مرا از این بیماری وحشتناک نجات داد. هر بار که وسوسه مصرف سراغم می آمد، کمال را کنار می دیدم که به من امید می داد. مدتی بعد پدرم مرا با آغوش باز پذیرفت و دوباره روزگار شیرینم آغاز شد. بعد از آن به همراه برادرم کارگاه تولیدی راه اندازی کردم و اوضاع مالی ام هر روز بهتر شد تا این که چند روز قبل دوباره وارد بقالی اصغر آقا شدم و به یاد روزی افتادم که چشمان زیبای نرگس زندگی ام را به نابودی کشاند.

گروه حوادث- مرد ۳۵ ساله ای است که مدعی بود با ترک اعتیاد، از اعماق تاریکی ها به بلندی روشنائی سفر کرده و با کشتی ایمان و خود باوری، خود را از جزیره فلاکت و بدبختی به ساحل خوشبختی رسانده است. این مسرد جوان درباره سرگذشت و نجات خودش از اجتناب اعتیاد به کارشناس اجتماعی کلاتری شفای مشهد گفت: همه چیز از روزی آغاز شد که به تقاضای پدرم و برای خرید به فروشگاه مواد غذایی محله رفتم. در آن روز گرم تابستانی وقتی پا به درون مغازه «اصغر آقا» گذاشتم، ناگهان نگاهم با نگاه دختری زیبا تلاقی کرد و به یک باره قلمم لرزید و عاشق دختری شدم که به همراه مادرش درون فروشگاه ایستاده بود.

در حالی که هیچ گاه فکر نمی کردم با ورود به بقالی اصغر آقا مسیر زندگی ام تغییر کند، شماره تلفنم را روی تکه کاغذی نوشتم و پنهانی به دست آن دختر دادم. من که جوانی ۲۲ ساله بودم، احساس می کردم دختر رویاهایم را روی زمین یافته ام و بی صبرانه منتظر تماشای ماندم. هر ثانیه برابرم سالمی می گذشت تا این که چند روز بعد با دیدن پیامک آن دختر برق عجیبی در چشمانم درخشید.

ازدواج با خانواده معاند و شرور

بلافاصله با جمله ای زیبا پاسخش را دادم و این گونه گرفتار چشمان زیبای نرگس شدم. از تباط عاطفی عمیقی با این عشق خیابانی بین من و نرگس آغاز شد تا این که از خانواده ام خواستم او را برابرم خواستگاری کند ولی پدرم با تحقیق از محله آن ها متوجه شد که پدر و مادر نرگس به مواد مخدر اعتیاد دارند و برادرانش از او ایش سابقه دار محله هستند.

اگرچه پدرم با این ازدواج مخالفت کرد اما من چیزی از حرف های پدرم نمی فهمیدم. پدرم نمی فهمید من به چشمان آن دختر دل باخته بودم و به این حرف ها اهمیتی نمی دادم. بالاخره پدرم با چشمانی اشک آلود و بغضی غریب نرگس را برابرم خواستگاری کرد. مدتی بعد از آغاز زندگی مشترکمان، احساس می کردم در تباط خصوصی با همسرم بخشش دارم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

نیز زخمی شدم، دیوانه شده بودم که بالکن خانه رفتم و بسا فریاد به مردم می گفتم که من قاتل هستم که خیلی زود پلیس وارد خانه شد و من دستگیر شدم.

بنابر این گزارش، مرد جوان که



رفتن به محل کارش که در در یک بیمارستان کار می کرد از خانه خارج شد.

عصبانی بودم و به جلوی در بیمارستان رفتم و شروع به داد و بیداد کردم که حراست آنجا مرا از بیمارستان خارج کرد و به خانه بازگشتم، دقایقی بعد همسر همراه مادرش به خانه آمدند و درباره اینکارم با من بحث کردند که بین ما درگیری لفظی صورت گرفت و دقایقی بعد پدرم وارد خانه شد و وقتی از ماجرا باخبر شد ۲ سیلی به گوشم زد و من آنجا بودم که از خودم بیخود شدم.

مرد جوان ادامه داد: دیگر کنترل‌م را از دست داده بودم که با چاقو فکر کنم ۱۰ ضربه به پدرم زدم و سپس با چاقو ضرباتی به مادرم زدم که در این درگیری خونین همسر سعی داشت مانع چاقو زدنم شود که او نیز هدف ضربات چاقو قرار گرفت. متوجه بودم چه کار می کنم که در این ضربات دیوانه وار که به پدرم زدم و مادرم زدم می زدم خودم

فریاد اعتراف در بالکن محل قتل عام

زندگی می کردند.

مرد جوان ادامه داد: در این سالها با همسرم اختلافاتی داشتم که بیشتر اوقات همسرم به طبقه دوم ساختمان می رفت و دعواهایمان را به پدر و مادرش توضیح می داد یا اینکه با سسر و صداهایمان پدر و مادرش متوجه ماجرا می شدند و پدرم و مادرم زدنم در زندگی مان دخالت های زیادی می کردند که مرا عصبانی و خسته کرده بود.

درگیری مرگبار بخاطر لیمپلنت

حمید در خصوص روز

پدرم و مادرم

حمید ۳۰ ساله در اعتراض خلی زود تنی از مأموران کلاتری ۱۵۳ شهرك وليعصر به محل اعزام شده و با حضور در طبقه چهارم ساختمان با پیکر خویش زن و یک مرد روبرو شدند و مرد جوان که دست هایش نیز زخمی شده بود در همان صحنه خود را تسلیم پلیس کرد.

قتل پدر و مادرم

همین کافی بود تا تنی از مأموران اداره ۱۰۰ پلیس آگاهی تهران

محاكمه قاتلی كه بخاطر تبلي دوستش را كشت

و در همان ابتدا به قتل دوستش

مهدی اعتراف كرد و در توضیح ماجرا گفت: من و مهدی سال‌های زیادی با هم زفافت داشتیم و چند وقت پیش برای کار باهم به تهران آمدم. اما از وقتی که به تهران آمدم مهدی دیگر کار نمی کرد و با تبلی مدام کارهایش را سر من می ریخت و هر بار که اعتراض می کردم من را از یاد تنگ می گرفت. آخرین بار در همین ساختمان که قتل رخ داده کار گرفتیم و هر دو نگهبان و کارگر

متوجه شدند مقتول فردی به نام

مهدی است که با دوستش قاسم در محل ساختمان نیمه کاره به عنوان نگهبان و کارگر ساختمانی کار می کردند اما پس از وقوع قتل قاسم نیز وسایلی را جمع کرده و از آنجا گریخته بود.

با پیگیری های پلیس معلوم

شد که قاسم قصد خروج غیرقانونی از مرز را داشته که توسط پلیس مرزبانی شناسایی و دستگیر شد. وی پس از انتقال به اداره آگاهی

گروه حوادث-

نگهبان ساختمان نیمه کاره که همکارش را به قتل رسانده بود در جلسه دادگاه مدعی شد به خاطر تبلی و زورگویی های او از دستش خسته شده بود.

رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ با گزارش یک قتل در ساختمانی نیمه کاره از سوی مالک ساختمان آغاز شد. بلافاصله مأموران به صحنه قتل رفتند و در پرس و جو با فردی که گزارش قتل را داده بود

اشك های پشیمانی قاتل خارجی در دادگاه ایران

نورا... در شعبه دهم دادگاه

کفیری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و به تشریح جندل خونین پرداخت. وی گفت: من و عزیز چند سال قبل برای پیدا کردن کار به ایران آمدم. مدتی بود در ساختمان نیمه ساز کار می کردم اما عزیز تیل بود. او کارهای سخت را به من واگذار می کرد. به همین خاطر چندبار با هم درگیر شده بودیم. آخرین بار سر همین موضوع به او اعتراض کردم. اما او فحاشی کرد و به خانواده ام ناسزا

چند روز از این ماجرا گذشته

بود که پلیس زد نورا... را در نقطه صفر مرزی یافت و وی را بازداشت کرد. این مرد که سعی داشت از کشور بگریزد که به دام افتاد و به جندل خونین با همکارش اعتراف کرد. در این میان تلاش برای شناسایی اولیای دم بسی نتیجه ماند و ردی از خانواده عزیز پیدا نشد.

به این ترتیب رییس قوه قضاییه

درخواست قصاص را مطرح کرد.

جسد خونین در ساختمانی

نیمه ساز

صفر مرزی

نیاز مندیهای روزانه جزیره کیش

به همکاری تعدادی فروشنده بصورت تمام وقت و نیمه وقت نیازمندیم.

کیش، بلوار ایران، بعد از گلدیس، مجتمع ابزارشهر، پلاک EX43

استخدام

یک شرکت معتبر در کیش جهت تکمیل کادر خود به یک نیروی خانم با حداقل ۵ سال سابقه کار مرتبط با امور مالی نیازمند است.

ایمیل: m.parsa@petrodanial.com

املاک ماهور جهت تکمیل کادر اداری خود از متقاضیان

واجد شرایط زیر دعوت به همکاری مینماید:

۱. منشی دارای سابقه کار و تحصیلات ترجیحا حسابداری(خانم)
۲. حسابدار پاره وقت(خانم یا آقا)
۳. مشاور املاک حرفه ای با شرایط استثنایی
۴. مشاور املاک مشتاق به یادگیری با درآمد بالا(خانم و آقا)
۵. خدماتی(خانم)

لطفا بصورت حضوری به املاک ماهور واقع در کیش ویلاهای مروارید، طبقه اول، پلاک ۷۲ مراجعه فرمایید

استخدام راننده

راننده با سواد، دارای گواهینامه، ساکن کیش و آشنا به جزیره جهت کار در یک شرکت استخدام می شود .

متقاضیان به نشانی: ویلاهای اداری مروارید، بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند.

خدمات

فود فور کیش

سامانه آنلاین سفارش غذا

از رستورانهای جزیره کیش

وبسایت و اپلیکشن

www.F4k.ir

سوپر میوه سوئیا

گوجه فرنگی ۳۵۰۰ ت

هندوانه ۲۳۰۰ ت

موز ۱۷۰۰۰ ت

پیاز، سیب زمینی ۴۰۰۰ ت

میوه های تازه و ارزان

فاز ۴، خدماتی جنب عکاسی رخساره ۹۳۵۸۷۵۹۴۸۰ واتساپ



تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام خدمات مفقودی خرید و فروش و ...



مفقودی

مفقودی

اصل مبایعه نامه شماره ۴۹۸۳/ج/مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۰ با توجه به قرارداد مشارکت شماره ۹۶۷/۱۷۹/۷۲۶۰ مورخ ۱۳۷۵/۶/۷ سازمان منطقه آزاد کیش و ابوالفضل ملک لو که موضوع آن احداث یک مجتمع تجاری می باشد و با توجه به توافقنامه شماره ۸۴-۲۶-مورخ ۱۳۸۴/۹/۳۰ و توافقنامه مورخ ۱۳۸۸/۱/۱۵ تهیه و تنظیم گردیده است. فروشنده ابوالفضل ملک لو فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۲ و محمدحسین شکفتی فرزند خلیل به شماره شناسنامه ۶۰۸۵۶ بعنوان خریدار می باشند. با عنوان فروش قطعی تمامی ششدانگ اعیانی یک باب غرفه به شماره ۵۷ واقع در طبقه همکف بمساحت ۷۳/۱ متر مربع فروشگاه و ۳۶/۴۴ متر مربع بالکن در مرکز تجاری کیش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل مبایعه نامه شماره ۲۳۳۷/ق/۸۳ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۶ با توجه به قرارداد مشارکت شماره ۹۶۷/۱۷۹/۷۲۶۰ مورخ ۱۳۷۵/۶/۷ سازمان منطقه آزاد کیش و ابوالفضل ملک لو که موضوع آن احداث یک مجتمع تجاری می باشد. بین ابوالفضل ملک لو فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۲ به عنوان فروشنده و مجتبی رضایی فرزند غلامحسن با شماره شناسنامه ۲۱ به عنوان خریدار منعقد گردیده است. عنوان فروش قطعی تمامی ششدانگ اعیانی یک باب غرفه به شماره ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ واقع در طبقه اول مرکز تجاری کیش به مساحت ۱۴۵/۵ مترمربع می باشد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل سند مالکیت پلاک ثبتی ۲۴۱۷۸ و شماره مسلسل ۴۵۷۴۷ مربوط به آپارتمان شماره ۷ تفکیکی واقع در طبقه سوم سمت شرقی مجزی شده از قطعه ۹۱۹ شهرک نوبنیاد مورخ ۸۳/۷/۱۶ به نام خانم راضیه رضوانی فرزند محمود آقا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل برگ سبز خودرو تویوتا یاریس مدل ۲۰۰۸ به شماره پلاک ۱۲۹۶۲ شماره موتور ۹۸۸۷۷۰ و شماره شاسی ۲۴۷۸۵۹ رنگ آبی نفتی بنام امیر گیل عرب مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیاز مند بیهای روز نامه اقتصاد کیش چاپ می شود. از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیاز مندیهای شهر و ندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، باروش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.

شهروند گرامی کیش!